

## لزوم تشکیل شوراهای راهبردی در صنایع کشور

برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری بر اثر سانحه تاسف باری که برای رییس جمهور فقید حادث شد از یکسو برنامه‌های دولت جاری را ناتمام گذاشت و از سوی دیگر با استقرار دولتی با رویکرد سیاسی متفاوت، طبق عرف سالهای اخیر، سیاست‌های متفاوتی را در عرصه‌های صنعتی و اقتصادی کشور شاهد خواهیم بود که این موضوع ممکن است اشکالاتی را برای بخش خصوصی به وجود آورد.

اگرچه بروکراسی حاکم بر سازمان‌های دولتی در کشور به گونه ای است که استقرار برنامه در بدنه اجرایی زمان بر بوده و با مقاومت‌هایی روبروست اما باید پذیرفت که با تغییر در دولت‌ها و به دنبال آن تغییر در برخی سیاست‌ها و گاه‌ها عدم استفاده از تجربیات قبلی، تولیدکنندگان و بطور کلی فضای کسب و کار را متاثر خواهد نمود.

در این میان به نظر می‌رسد با وعده رییس جمهور منتخب بابت استفاده از تمام ظرفیت‌ها و به کارگیری خرد جمعی حداقل در انتخاب وزراء، که کار گروه‌هایی هم برای آن پیش بینی شده، تبعات ناشی از تغییر کابینه و تغییر سیاست‌ها به حداقل برسد گو اینکه برنامه هفتم توسعه و سایر برنامه‌های بالا دستی نیز می‌بایست مد نظر قرار گیرد.

اینکه در انتخاب وزراء یا به طور کلی برای برنامه ریزی بابت اداره امور کشور در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، استفاده از ظرفیت نخبگان مد نظر قرار گرفته امر بسیار مطلوبی است اما تاثیر گذاری این رویه قطعا در تداوم آن است و استفاده از شوراهای مشورتی می‌تواند در تمامی امور کلان و حتی زیر بخش‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد.

به عنوان مثال در صنایع نساجی و پوشاک همواره این موضوع که فقدان یک نهاد متولی که بتواند با استفاده از خرد جمعی و ظرفیت تمامی دستگاه‌هایی که در این صنعت به عنوان ذی‌نفعان بخش دولت محسوب می‌شوند، تصمیم‌گیری و نظارت نماید به عنوان یک دغدغه مطرح بوده است و این موضوع فرضا در زنجیره صنعت پوشاک و مبارزه با قاچاق پوشاک که نهادهای متعددی در فضای کسب و کار آن تاثیر گذارند، فقدان یک نهاد متولی تصمیم ساز، راهبر و ناظر، مشهود است.

طی سال‌های ۹۵ و ۹۶، تجربه ای در رابطه با مبارزه با قاچاق پوشاک موجب شد فقدان نهاد متولی در حوزه‌های گوناگون بیشتر مورد توجه قرار گیرد. طی آن دوره دستورالعملی در رابطه با نحوه فعالیت برندها و شعب شرکت‌های خارجی پوشاک در ایران تدوین شده بود و وظایفی برای برخی دستگاه‌ها تعریف گردید که طی آن نهادهای کاشف، ناظر و تدوین کننده نحوه نظارت بر میزان فعالیت این برندها در ایران وظایفی را بر عهده داشتند. فقدان یک نهاد متولی که بتواند مجموعه این دستگاه‌ها را در راستای اجرایی نمودن این موضوع هماهنگ نماید به گونه‌ای بود که فقط از متن دستورالعمل موصوف که توسط وزیر صنعت وقت ابلاغ شده بود، پس از گذشت حدود دو سال، برخی از دستگاه‌های درگیر این حوزه مطلع نبودند! و تبعاً در راستای اجرایی نمودن آن فعالیت‌ها نداشتند.

به نظر می‌رسد تشکیل شوراهای راهبردی هر صنعت یکی از مدل‌هایی باشد که بتوان از این طریق بدون تحمیل هزینه‌های تشکیل سازمان‌های جدید به دولت، تولی‌گری حوزه‌های مختلف را با حضور ذینفعان در دولت و بخش خصوصی به این شوراها واگذار نمود که هم اکنون یکی از موارد آن بابت تعیین وزراء توسط رییس جمهور منتخب در حال اجراست و به زعم کارشناسان، نتایج مطلوبی را بدنبال خواهد داشت.